دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص: ۲۱۱-۲۳۶
Academic Journal of the Qur'an and Science, Spring and summer ۲۰۲۱, ۱۵(۲۸), P:۲۳۶-۲۱۱
جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

The Characteristics and Advantages of the Quranic Legal System*

Najibullah Hakimi [۱]
Sayed Hamid Jazayeri [۲]
Mustafa Daneshpajooh[۳]
Hamidreza Toosi[٤]

Abstract

Human societies, from the beginning until now, have never been governed by a single legal system. Rather, there are numerous legal systems with commonalities and differences in human societies, and one of these ruling systems is the legal system of the Holy Quran. In this article, an attempt has been made to answer the question: what are the advantages of the legal system of the Quran in comparison with rival systems? To achieve the desired issue and better understand the legal system of the Quran, first, the most important contemporary legal systems and the characteristics of each are discussed, then the features and advantages of the legal system of the Holy Quran in comparison with competing systems are explained. The results of the research show that the legal system of the Holy Quran has the following characteristics and advantages in comparison with human rights systems: being divine and revelatory, comprehensive, complete and multidimensional, harmony with nature and healthy nature, avoidance of personal errors and deviations, Attention to various aspects of human beings, the systematic nature of the Quranic legal school, the executive guarantee of faith, simplification, stability and permanence, and immortality are among the characteristics and advantages of the Quranic legal system. At the same time, the other legal systems, due to the limitation of their knowledge, scientific, moral and psychological incompetence, and tendency to self-interest, lack the above characteristics.

Keywords: Holy Quran, Law, Legal System, Human Rights, Quranic Legal System, Secular Systems.

---

*. Date of receiving: ۲۹, January ,۲۰۲۱, Date of approval: ۲۵ June۲۰۲۱.
۱. PhD graduate of Quran and sciences, majoring in law, Al-Mustafa Al-Alamiyah University (Corresponding Author): hakiminajib۲۱@gmail.com.
۲. Associate Professor and faculty member of the Mustafa International University: jazayeri@almustafaou.com.
۳ Faculty member of Qom Seminary and University Research Institute:mdaneshpajoh@rihu.ac.ir
٤. Assistant Professor and member of the faculty of Al-Mustafa International University: hrtoosi۱۲۳@gmail.com.

جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص: ۲۱۱-۲۳۶
Academic Journal of the Qur'an and Science, Spring and summer ۲۰۲۱, ۱۵(۲۸), P:۲۳۶-۲۱۱

مقاله علمی ـ پژوهشی

ویژگی‌ها و امتیازات نظام حقوقی قرآن *

نجیب الله حکیمی[۱] سید حمید جزایری[۲] مصطفی دانش‌پژوه [۳] حمیدرضا طوسی[۴]

چکیده

جوامع بشری از آغاز تاکنون، هیچ‌گاه با نظام حقوقی واحدی اداره نشده‌اند، بلکه نظام‌های حقوقی متعدد و دارای نقاط اشتراک و افتراق در جوامع بشری حاکمیت داشته است. یکی از نظام‌های حاکم، نظام حقوقی قرآن کریم است. در این نوشتار تلاش شده است، به این سؤال پاسخ داده شود که امتیاز نظام حقوقی قرآن در مقایسه با نظام‌های رقیب چیست؟ برای دستیابی به مسئله موردنظر و شناخت بهتر نظام حقوقی قرآن، ابتدا مهم‌ترین نظام‌های حقوقی معاصر و ویژگی‌های هریک به بحث گرفته شده است، سپس به تبیین ویژگی‌ها و امتیازهای نظام حقوقی قرآن کریم در مقایسه با نظام‌های رقیب پرداخته‌شده است. برآیند تحقیق نشان می‌دهد که نظام حقوقی قرآن کریم در مقایسه با نظام‌های حقوق بشری از ویژگی‌ها و امتیازاتی ذیل برخوردار است: الهی و وحیانی بودن، جامع، کامل و چندبعدی، هماهنگی با طبیعت و فطرت سالم، دوری از خطا و انحراف‌های فردی، توجه به جنبه‌های مختلف انسان، نظام‌مند بودن مکتب حقوقی قرآن، ضمانت اجرایی ایمانی، آسان‌گرایی، ثبات، استمرار و جاودانگی از ویژگی‌ها و امتیازات نظام حقوقی قرآن است. درحالی‌که دیگر نظام‌های حقوقی با توجه به محدود بودن علمشان، عدم صلاحیت علمی، اخلاقی و روان‌شناسی، گرایش به منافع شخصی، فاقد ویژگی‌های فوق است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، حقوق، نظام حقوقی، حقوق بشر، نظام حقوقی قرآن، نظام‌های سکولار.

---

*. **تاریخ دریافت:** ۱۳۹۹/۱۱/۱۰ و **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۴/۴.

۱. دانش آموخته دکتری قرآن و علوم گرایش حقوق جامعه المصطفی العالمیه(نویسنده مسئول): hakiminajib۲۱@gmail.com.

۲. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه : jazayeri@almustafaou.com.

۳. عضوهیئت علمي پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه قم: mdaneshpajoh@rihu.ac.ir

۴. استادیار جامعه‌المصطفی العالمیه: hrtoosi۱۲۳@gmail.com.

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص: ۲۱۱-۲۳۶
ویژگی‌ها و امتیازات نظام حقوقی قرآن
نجیب الله حکیمی و همکاران

مقدمه

برای شناخت بهتر نظام حقوقی قرآن لازم است، با مهم‌ترین نظام‌های حقوقی معاصر به‌طور اجمال آشنا شویم؛ چون شناخت نظام‌های حقوقی، زمینه مقایسه و تطبیق میان نظام‌های گوناگون حقوقی را فراهم کرده و زمینه انتخاب و دستیابی به یک نظام حقوقی بهتر را در مقایسه با سایر نظام‌های رقیب مهیا می‌کند. بدین‌منظور در این تحقیق ابتدا مفهوم و ماهیت «نظام حقوقی» تبیین و سپس ملاک و معیار تقسیم‌بندی نظام‌های حقوقی به بحث گرفته شده، آنگاه به معرفی اجمالی نظام‌های حقوقی معاصر و تبیین ویژگی‌های آن‌ها پرداخته شده است. در آخر ضمن بیان مبانی و اهداف نظام‌های حقوقی به تبیین مهم‌ترین ویژگی‌ها و امتیازات نظام حقوقی قرآن پرداخته شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱ تعریف نظام حقوقی

اگر متن و محتوای قواعد انواع حقوق را در نظر بگیریم، به تنوع فراوان آن‌ها پی می‌بریم؛ در مقابل، اگر عناصر اساسی‌تر و پایدارتر را که به یاری آن‌ها می‌توان قواعد را کشف و تفسیر کرد و ارزش آن‌ها را مشخص نمود، مدنظر قرار دهیم، اختلاف بسی کمتر خواهد بود. ازاین‌رو می‌توان با نادیده گرفتن اختلاف‌های فرعی، نظام‌های مختلف حقوقی را به چند خانواده تقسیم کرد (داوید و اسپینوزی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ۱۳۸۱: ۲۹)؛ بنابراین هر خانواده حقوقی، از تعدادی نظام حقوقی که در پاره‌ای از عناصر اساسی ثابت با یکدیگر مشترک‌اند، تشکیل می‌شود. درعین‌حال، هر نظام حقوقی نیز زیرمجموعه‌هایی دارد که از آن‌ها به نهاد، سازمان و یا نظام حقوقی تعبیر می‌شود.

مجموعه‌ای از قواعد حقوقی با موضوع و هدف مشترک که بخشی خاصی از روابط اجتماعی را تنظیم و اداره می‌کند، یک نهاد حقوقی نامیده می‌شود؛ مانند نهاد حقوقی نکاح، طلاق، ارث و نفقه. از مجموعه‌ای از این نهادهای حقوقی، سازمان یا سیستم حقوقی پدید می‌آید که گاهی با مسامحه از آن‌ها به نظام هم تعبیر می‌شود؛ مانند سازمان حقوق خانواده یا سیستم حقوقی خانواده یا نظام حقوق

خانواده. بر این اساس ارتباط منطقی و خاص میان تمام قواعد و سازمان‌های حقـوقی را بـه هـم مـرتبط می‌سازد و از مجموع آن‌ها «نظام حقوقی» به دست می‌آیـد(کاتوزیان، فلسـفه حقـوق، ۱۳۸۵: ۱/ ۳٦-۳۷).

بر اساس آنچه در مورد مفهوم و نظام حقوقی بیان شد، می‌توان تفاوت آن را بـا مکتـب حقـوقی، در این دانست که نظام حقوقی تجسم عینی و خارجی آرمان‌ها، اهداف و مبانی حقوق در یـک جامعـه در قالب قوانین و مقررات حقوقی است؛ درحالی‌که مکتب حقوقی، شالوده و زیربنای فکری و اعتقادی آن قوانین و مقررات است و از چرایی‌ها و زیرساخت‌هایی سخن می‌گوید که نظـام حقـوقی بـر آن اسـتوار می‌شود(خسروشاهی و دانش‌پژوه، فلسفه حقوق، ۱۳۹۵: ۷۵).

۲. ملاک و معیار تقسیم‌بندی

با توجه به تنوع و تعدد نظام‌های حقوقی، طبقه‌بندی آن‌ها در چند خانواده حقوقی و نیز یافتن ملاک و معیاری که بتواند این طبقه‌بندی را امکان‌پذیر کند، چندان ساده نبوده، مناقشات فراوانـی را برانگیختـه است. اندیشمندان حقوق تطبیقی، تلاش‌های بسیاری در این زمینه داشته و تقسیم‌بندی‌های متفاوتی بر اساس معیارهـای متفـاوت ارائـه کرده‌انـد؛ به‌گونـه‌ای کـه بـه اعتقـاد برخـی صـاحب‌نظران، بـه تعـداد متخصصان حقوق تطبیقی، طبقه‌بندی وجود دارد. (ردیر، مقدمه‌ای بر حقوق تطبیقی، ۱۳۷۱: ٤٥).

معیار موردنظر ما در طبقه‌بندی نظام‌های حقوقی، نوع ارتباط آن‌ها بـا ادیـان الهـی- نـه ادیـان بشـر ساخته- اسـت؛ بر این اساس، نظام‌های حقوقی ابتدا به نظام‌های «دینی- الهی» و «سـکولار- بشری» یا غیردینی تقسیم‌بندی می‌شوند (دانش‌پژوه، مقدمه علم حقوق با رویکردی به حقـوق ایـران و اسـلام، ۱۳۸۹: ۱۳۲- ۱۳۳)؛ نظام‌های دینی نیز دو دسته‌اند: نظام‌های که از متن دین سرچشمه گرفتـه و پایبنـد آموزه‌های حقوقی دین هستند؛ مانند نظام حقوقی اسلام (قرآن) یهود و زرتشت و نظام‌های که صرفاً نـام دین را یدک می‌کشد و درواقع ساخته‌وپرداخته انسان‌هایی است که نظر خـود را نظـر دیـن می‌داننـد یـا نظام‌های که مبتنی بر ادیانی خودساخته و غیر الهی‌اند؛ مانند نظام حقوق کلیسا، نظام حقـوقی هنـدو و نظام حقوقی چین(خسروشاهی، تحلیل رابطـه مولفـه‌های هویـت دینـی و پیشـگیری از جـرم، ۱۳۹۵: ۱۲۰- ۱۲۱؛ دانش‌پژوه، شناسه حقوق، ۱۳۹۱: ۱۳۲ - ۱۳٤).

نظام‌های غیردینی نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

نظام‌هایی که در آن‌ها نفی دین و مخالفت با آن، اصـلِ زیربنـایی اسـت؛ ماننـد نظام‌هـای حقـوقی

سوسیالیستی (شورایی) و نظام‌هایی که چنین مخالفتی با دین ندارند، هرچند منشأ بشری و غیر الهی دارند و به همین دلیل، ممکن است، تحت تأثیر دین قرارگرفته و حتی بعضی از احکام حقوقی آن را در خود بپذیرند؛ اما نه به‌عنوان یک حکم و قانون دینی، بلکه به‌عنوان قاعده‌ای عرفی؛ مانند نظام‌های حقوقی رومی- ژرمنی و کامن‌لا. وجه اشتراک نظام‌های «سکولار- بشری» در این است که قواعد حقوقی را ساخته انسان و محصول وجدان اجتماعی یا عرف یا عقل یا تجربه بشری می‌دانند؛ اما وجه اشتراک نظام‌های «دینی- الهی» این است که قواعد حقوقی، منبع وحیانی داشته و محصول اراده خداوند است، هرچند ممکن است، در چارچوب اذن الهی، عقل، عرف و تجربه بشری نیز در پدید آمدن قواعد حقوقی مؤثر باشد (خسروشاهی، تحلیل رابطه مولفه‌های هویت دینی و پیشگیری از جرم، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

بر پایه این تقسیم‌بندی، نخست خانواده نظام‌های حقوق «سکولار- بشری»؛ یعنی نظام رومی- ژرمنی، نظام کامن‌لا و نظام سوسیالیستی را به‌صورت اختصار و اجمال معرفی می‌کنیم و سپس نظام‌های حقوق «دینی- الهی» و به‌ویژه نظام حقوقی قرآن (اسلام) را موردبررسی قرار داده و به تبیین مبانی، اهداف و ویژگی‌های آن خواهیم پرداخت.

۳. نظام‌های حقوق «سکولار - بشری»

یک. نظام حقوق «رومی- ژرمنی»

این نظام حقوقی اگرچه در حقوق روم باستان ریشه دارد، زادگاه آن به لحاظ تاریخی و جغرافیایی به قرن سیزدهم میلادی مربوط می‌شود که دانشگاه‌های کشور ژرمنی، همچون آلمان، هلند، سوئیس، اتریش و... تحت تأثیر رنسانس، تحولی در حقوق روم پدید آوردند و ازجمله آن را از اخلاق و مذهب جدا ساختند. پدیده استعمار از یک‌سو و غرب‌گرایی برخی کشورها از سوی دیگر، موجب تحمیل یا اقتباس این نظام حقوقی در دیگر کشورها و توسعه قلمرو و حکومت آن به آمریکای لاتین و بعضی از کشورهای غیراروپایی شد. امروزه نظام حقوقی فرانسه، روشن‌ترین مصداق این نظام حقوقی است (دانش‌پژوه، مقدمه علم حقوق با رویکردی به حقوق ایران و اسلام، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

ویژگی‌ها

الف. طبقه‌بندی قواعد حقوقی و به‌ویژه تفکیک آن‌ها به قواعد حقوق عمومی و حقوق خصوصی و زیرمجموعه‌های هر یک از این دو طبقه، یکی از ویژگی‌های ساختاری خانواده حقوقی رومی- ژرمنی

است. در توجیه این تفکیک گفته شده است:

این تفکیک، مبتنی بر فکری است که در نظر حقوق‌دانان این خانواده بدیهی می‌نماید: روابط میان حکمران و مردم، مسائل خاصی را مطرح می‌کند و مقرراتی را به‌جز آنچه بر روابط میان اشخاص خصوصی حاکم است، لازم می‌داند؛ اگرچه بدین‌جهت باشد که منافع عمومی و منافع خصوصی را نمی‌توان با یک ترازو سنجید (داوید و اسپینوزی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ۱۳۸۱: ۸۲).

ب.ازآنجاکه قانون، منبع اصلی قواعد حقوقی است و قاعده حقوقی در آن قاعده رفتاری است و قانون‌گذار علی‌القاعده با تدبیر و اندیشه و مشورت به قانون‌گذاری می‌پردازد، درنتیجه قاعده حقوقی از کلیت، عمومیت و شمول فراوانی برخوردار است و مصادیق متعددی را در برمی‌گیرد و نه صرفاً راه‌حلی برای یک مورد خاص؛ کلیت قاعده حقوقی در این نظام‌ها، گرچه شناخت و آموزش آن‌ها را آسان‌تر می‌کند و قدرت پاسخگویی یک نظام حقوقی را افزایش می‌دهد، ولی این اشکال را دارد که قواعد کلی برای تطبیق بر مصادیق، نیاز بیشتری به تفسیر از سوی قاضی دارند و درنتیجه، نقش تفسیری قاضی در این نظام‌ها افزایش می‌یابد(داوید و اسپینوزی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ۱۳۸۱: ۹٦؛ خسروشاهی، تحلیل رابطه مولفه‌های هویت دینی و پیشگیری از جرم، ۱۳۹۵: ۱۲۵).

ج.منابع حقوق در این نظام حقوقی، بر اساس نقش و کارکرد خود، بدین ترتیب عبارت‌اند از: قانون، عرف و عادت، رویه قضایی، دکترین و اصول کلی حقوقی. قانون، منبع اصلی حقوق است و بقیه منابع، هنگام فقدان قانون یا اجمال آن به‌کار می‌آیند. در این نظام حقوقی، حقوق‌دان یا قاضی موظف است، راه‌حل‌های حقوقی را با استناد به مواد قانونی و استفاده از روش‌های مختلف تفسیر ارائه کند.

د.تأکید بر منبع قانون، موجب وضع و تدوین قوانین مکتوب می‌شود. به همین دلیل این نظام حقوقی به «حقوق نوشته» (Written Law) نیز شهرت یافته است، هرچند این به معنای «تمام نوشته» بودنِ قواعد حقوقی در این نظام نیست؛ زیرا عرفِ نانوشته نیز پس از قانونِ نوشته، نقش فراوان و پراهمیتی دارد(داوید و اسپینوزی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ۱۳۸۱: ۱۲٦- ۱۲۹؛ دانش‌پژوه، شناسه حقوق، ۱۳۹۱: ۱/ ۱۳٤- ۱۳۵).

دو. نظام حقوق «کامن‌لا»

دومین خانواده حقوقی شناخته شده در جهان کامن‌لا (common law) است. مهد این نظام حقوقی، کشور انگلستان است و به دنبال غلبه نورمن‌ها بر این کشور در سال ۱۰٦٦ میلادی و از بین رفتن حکومت قبایل و استقرار فئودالیه پدید آمد. به وجود آمدن کامن‌لا، به دومین دوره از چهار دوره اصلی تحول حقوق انگلستان بازمی‌گردد که در فاصله سال‌های ۱٤۸۵ تا ۱۰٦٦ میلادی اتفاق افتاده است و طی آن، یک نظام حقوقی جدید و مشترک برای سراسر قلمرو پادشاهی انگلستان به وجود آمده، جایگزین عرف‌های محلی می‌گردد. امروزه حقوق انگلستان و آمریکا، مصداق‌های بارز این نظام حقوقی هستند و دولت‌هایی که تحت استعمار یا تأثیر انگلستان بوده‌اند نیز با این نظام حقوقی اداره می‌شوند (داوید و اسپینوزی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ۱۳۸۱: ۱٤۵).

ویژگی‌ها

ویژگی‌های مهم این نظام حقوقی را که به حقوق انگلوساکسن نیز شهرت دارد، می‌توان چنین برشمرد:

الف. نظام حقوقی کامن‌لا، افزون بر زمینه‌های اجتماعی و تاریخی، ازنظر ساختار نیز با نظام حقوقی رومی- ژرمنی تفاوت دارد. در حقوق انگلیس هرچند شاخه‌های فرعی حقوق عمومی و حقوق خصوصی وجود دارد، ولی تقسیمات حقوقی جایگاهی ندارد. قواعد حقوقی به حقوق عمومی و حقوق خصوصی در کامن‌لا شناخته نشده و رشته‌هایی مانند حقوق مدنی، حقوق بازرگانی و حقوق اداری و اساسی رسیمت ندارد و به‌جای آن، تقسیم حقوق به کامن‌لا و انصاف دیده می‌شود (همان: ۳۳۱).

ب. قاعده حقوقی در کامن‌لا از عمومیت کمتری در مقایسه با قاعده حقوقی در حقوق رومی- ژرمنی برخوردار است. دلیل این مسئله به منشأ قواعد حقوق در کامن‌لا بازمی‌گردد. چون آرای دادگاه‌های عالی انگلستان صادر کرده‌اند، منبع اصلی قواعد حقوقی هستند.

ج. منابع حقوق بر اساس اهمیت، نقش و کارکرد مؤثر خود، بدین ترتیب قرار می‌گیرند: آرای قضات، قانون، عرف و عادت، دکترین و عقل.

د. تأکید بر منبع آرای قضات یا عرف محاکم، موجب شده است که این نظام حقوقی به نظام حقوق عرفی یا نانوشته (unwritten Law) شهرت یابد؛ اما باید توجه داشت که اولاً: مقصود از عرف، عرف قضات و دادگاه‌هاست، نه عرف مردم و جامعه؛ زیرا عرف بدین معنا در کامن‌لا، در مرحله سوم

اهمیت قرار دارد و از این نظر نمی‌توان آن را حقوقی عرفی نامید؛ درحالی‌که در حقوق رومی- ژرمنی، عرف در مرحله دوم قرار دارد؛ ثانیاً: امروزه، قانون در کامن‌لا نقش بیشتر و مهم‌تری یافته است؛ به‌گونه‌ای که به‌کارگیری عنوان حقوق نانوشته برای این نظام حقوقی، چندان مطابق واقع به نظر نمی‌رسد (داوید و اسپینوزی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ۱۳۸۱: ۲٤٤؛ دانش‌پژوه، مقدمه علم حقوق با رویکردی به حقوق ایران و اسلام، ۱۳۸۹: ۱۳٤- ۱۳۵).

٤. نظام‌های حقوق «دینی- الهی»

در این مبحث که به‌نوعی مربوط به بحث اصلی ما می‌شود، از خانواده‌های حقوقی که به‌نوعی با ادیان الهی ارتباط دارند، بحث می‌کنیم. ابتدا به‌طور اجمال و اختصار نظام حقوق یهود، سپس نظام حقوق مسیحی- کلیسایی و در پایان، به تبیین نظام حقوقی قرآن (اسلام) مبانی، اهداف و ویژگی‌ها و امتیازات آن در مقایسه با سایر نظام‌های حقوقی خواهیم پرداخت.

یک. نظام حقوق یهودی

مهم‌ترین منبع یهود، تورات است و قرآن کریم نیز به‌صراحت تورات را کتاب آسمانی یهودیان می‌داند که بر پیامبر آنان حضرت موسیA نازل شده (مائده/ ٤۳ - ٤٤؛ آل‌عمران/ ۳) و مورد تصدیق پیامبران پس از او نیز قرار گرفته است (سلیمانی، یهودیت، ۱۳۸۲: ۱۷٤)؛ اما آنچه امروزه به‌عنوان کتاب مقدس یهودیان شناخته می‌شود:مجموعه‌ای از نوشته‌ها را در برمی‌گیرد که به افراد مختلفی منسوب است. ازآنجاکه این مجموعه دربردارنده پیمان خدا با انسان و شرایط این پیمان است، آن را «عهد» می‌نامند. مسیحیان این مجموعه را عهد قدیم و بخش ویژه خود را عهد جدید می‌نامند. بر اساس برداشت عالمان یهود، تورات مشتمل بر ٦۱۳ حکم و دستور است که برخی از آن‌ها اعتقادی، بخشی دیگر اخلاقی و بقیه احکام فقهی است. در میان ادیان بزرگ جهان پس از اسلام، یهودیت گسترده‌ترین نظام فقهی را دارد. در این نظام فقهی احکام مفصلی درباره عبادات، نذر، وقف، طهارت و نجاست، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، ازدواج و طلاق و دیگر احکام اجتماعی دیده می‌شود (آشتیانی، تحقیقی در دین یهود، ۱۳٦۳: ۳٥٤- ۳۸٥).

پس از تورات، مهم‌ترین منبع نظام حقوقی یهود، کتاب تلمود (به معنای آموزش و تعلیم است) که مجموعه کاملی از نظام اعتقادی و عملی آیین یهود است که از زمان پیدایش تاکنون موردتوجه یهودیان بوده است. گروهی از یهودیان معتقد بودند، حضرت موسیA افزون بر تورات مکتوب، تورات شفاهی

نیز از خود به‌جا گذاشته است که سینه‌به‌سینه به دست آنـان رسـیده اسـت(کُهِن، گنجینـه‌ای از تلمـود، ۱۳۸۲: ۱٤-۱۵).

تورات مجموعه مفصلی از احکام شرعی است که همه جنبه‌های زنـدگی انسـان را در برمی‌گیـرد. کتاب تلمود این احکام را شرح و تفصیل می‌دهد و فتاوای دانشمندان یهود را در این زمینه نقل می‌کند.

ویژگی‌ها

محورهای اصلی شریعت یهود را به گونه‌های مختلف دسته‌بندی کرده‌انـد. بـر اسـاس دسـته‌بندی کتاب گنجینه‌ای از تلمود، مجموعه آموزه‌های عملی تورات را می‌توان در این چند گروه جای داد:

الف. زندگی خانوادگی؛ احکام ازدواج، طلاق، حقوق زوجین، فرزند، تعلـیم و تربیـت و وظـایف فرزند در برابر والدین؛

ب. زندگی اجتماعی؛ احکام و حقوق فرد و جامعه، کار و زحمت، قـوانین مربـوط بـه کارفرمـا و کارگر، صلح و عدالت؛

ج. بدن و زندگی جسمانی؛ احکام مربوط به مواظبـت از بـدن، قـوانین بهداشـتی، علـم تغذیـه و معالجه و درمان بیماری‌ها؛

د. حقوق؛ مسائل حقوقی و جنایی و احکام دادگاه‌ها و امثال این‌ها؛

هـ. عبادات و روابط فردی: پاکی‌ها و طهارت، اعیاد و مراسم، مقررات و معرفی کارهـای خـوب و بد (ژیلبرت، تاریخ قوم یهود، ۱۳٤۹: ۱۲۷ - ۱۲۸).

بدین ترتیب می‌توان گفت: در منابع اصلی یهودیت، یک نظام حقوقی جامع وجود دارد که پیروانش آن را به‌عنوان یک نظام حقوقی دینی پذیرفته و به آن پایبنـد هسـتند؛ هرچنـد در اصـالت ایـن احکـام و مقررات و الهی بودن آن‌ها، تردیدهای جدی وجود دارد.

دو. نظام حقوق مسیحی ـ کلیسایی

نظام حقوقی ادیان الهی، بخشی از شریعت آن ادیان است که به چگونگی تنظـیم روابـط اجتمـاعی مربوط می‌شود. در میان ادیان ابراهیمی، یهود و اسلام به‌عنوان ادیان دارای شریعت شـناخته می‌شـوند، ولی آیا مسیحیت نیز دارای شریعت مستقل و نظام حقوقی مستقل بوده است؟

به استناد شواهد تاریخی و مواضعی از کتاب مقدس مسیحیان و نیـز برخـی از آیـات قـرآن کـریم، حضرت عیسیA صاحب شریعت جدیدی نبوده و پیروان خود را بـه حفـظ شـریعت موسـوی و حفـظ اصیل و تحریف نایافته دعوت کرده و بر احکام تورات تأکید داشته است. بدین‌جهت محققان معتقدند:

مسیحیت، دارای شریعت مستقل از شریعت یهود نبوده و نظـام حقـوقی جـز آنچـه در یهودیـت وجـود داشته، ارائه نکرده است(دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بـر حقـوق اسـلامی، ۱۳۷٦: ۲/ ۵۷؛ زیبایی‌نژاد، درآمدی بر تـاریخ و کـلام مسـیحیت، ۱۳۷۵: ۱۵۲)؛امـا بـه دو دلیـل مسـیحیان شـریعت موسوی را رها کرده و خود را پایبند به آن ندانستند. نخست این‌که برخی از علمای مسیحی، صراحتاً بـه شریعت یهود حمله و آن را منسوخ اعلام کردند. نخستین کسی که صراحتاً نسخ شریعت را اعلام کـرد، پولس بود؛ دلیل دوم این‌که مسیحیان و یهودیان به دلیل تعارضات و تعصبات مـذهبی، ازجملـه اعتقـاد مسیحیان به کشته شدن حضرت عیسیA به دست یهودیان، هرگز نتوانسـتند بـا یکـدیگر تفـاهم داشـته باشند و به همین دلیل، مسیحیان از پذیرفتن و عمل به شـریعت حضـرت موسـیA خـودداری کردنـد؛ آنگاه برای جبران این کمبود و پر کردن این خلأ، از حقوق طبیعی، حقوق روم و فلسـفه رواقیـان کمـک گرفتند و بر اساس آموزه‌ها و هدایت‌های کلی حضرت مسیحA نظامی حقوقی را سـاختند و پرداختنـد؛ نظامی که به‌درستی به نام نظام حقوق «مسیحی- کلیسایی» اشتهار یافته است؛ چه آن‌که بـیش از آن‌کـه متن دین باشـد، برآینـد دیـن و سـاخته کلیساسـت. ایـن حقـوق صـرف‌نظر از این‌کـه سـاخته‌وپرداخته کلیساست، عمدتاً به مسائل مربوط به خود کلیسا نیز مربوط می‌شود و حقوقی ناظر بـر سـازمان و اداره امور دینی و درمان رنج‌های روحی و حفظ اموال کلیسا و مجازات کشیش‌های متخلف اسـت. محـاکم کلیسا نیز قدرت و مرجعیت مستقلی داشته‌اند و اختیارات محاکم، ناشی از خود کلیسـا بـوده و دولـت دخالتی نداشته است. ازاین‌رو، بیشتر اوقات با دادگاه‌های عرفی و ملی و حکومت‌های محلـی تعـارض پیدا می‌کرده است (صالح، مباحثی از تاریخ حقوق: دورنمایی از روزگـاران پیشـین تـا امـروز، ۱۳٤۸: ٤۱٤).

بنابراین نمی‌توان حقوق کلیسـا را، حقـوق الهـی و کامـل دانسـت؛ زیـرا ایـن حقـوق مسـتقیماً از مسیحیت ناشی نشده است و عمدتاً به امور دینی و مسائل مربوط به کلیسـا و رهبـران مسـیحی مربـوط می‌شود. به گفته صریح رنه داوید «حقوق کلیسا، به‌هیچ‌وجه حقوق ناشی از وحی نیست. مسـلماً ایـن حقوق، بر اصول ایمان و اخلاق مسیحی که خود مبتنی بر وحی هستند، استوار اسـت؛ امـا نتیجـه کـار انسان است، نه گفته خدا.» این نظام حقوقی در آغاز فقط در قلمرو واتیکان و کلیسا حکومـت می‌کـرد، ولی پس از اقتدار کلیسا، به‌ویژه پس از جنگ‌های صلیبی تا حدودی در جامعه مسـیحی نیـز حکومـت یافت؛ اما پس از رنسانس و پشت کردن غرب بـه دیـن و رواج سکولاریسـم، از صـحنه جامعـه رخـت بربست و نظام‌های حقوقی سکولار جانشین آن شدند (داوید و اسپینوزی، در آمدی بر حقوق تطبیقـی

و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ۱۳۸۱: ٤٥٣- ٤٥٤).

سه. نظام حقوقی قرآن (اسلام)

آخرین نظام حقوقی دینی و الهی که بقیه نظام‌های حقوقی جهان را تحت‌الشعاع خود قرار داد، نظام حقوقی قرآن (اسلام) است. قرآن به‌عنوان آخرین پیام وحیانی که هدایت انسان را در همه جنبه‌های زندگی، اعم از فردی ـ اجتماعی، دنیوی ـ اخروی بر عهده دارد، قوانین و مقرراتی را برای تنظیم روابط اجتماعی وضع و پیروان خود را به رعایت آن‌ها الزام نمود. وجود چنین مقرراتی در آموزه‌های وحیانی قرآن کریم، آن‌چنان برجسته و روشن است که به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت؛ به‌گونه‌ای که حتی اسلام‌شناسان نامعتقد به اسلام، وجود نظام حقوقی در اسلام (قرآن) را امری انکارناپذیر دانسته‌اند؛ به تعبیر رنه داوید: «هیچ اسلام‌شناسی نمی‌تواند به خود اجازه دهد از حقوق اسلام (قرآن) بی‌خبر باشد. اسلام در جوهر خود، دین قانون است.» (داوید و اسپینوزی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ۱۳۸۱: ٤٤٤)؛ و به قول برگش اشتراسر «حقوق اسلامی، عصاره روح حقیقی مسلمانی، قطعی‌ترین مظهر فکر اسلامی و هسته اساسی اسلام است.» (همان). قرآن کریم دارای شریعتی گسترده و کامل است که بخش اعظم آن به حقوق اسلامی اختصاص دارد. به همین دلیل می‌توان گفت: حقوق اسلام- دست‌کم در قلمرو احکام اولیه- عین دین و متن دین است، نه برآیند آن و ساخته عالمان و فقیهان.

۵. ویژگی‌های نظام حقوقی قرآن

بر اساس آنچه در مباحث پیشین ذیل مباحث مبانی، اهداف و ویژگی‌های نظام‌های حقوقی معاصر، سخن گفته شد، می‌توان گفت نظام حقوقی قرآن در مقایسه به نظام‌های حقوقی رقیب، دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی است که دیگر نظام‌های حقوقی فاقد آن ویژگی هستند. در ادامه به بیان مهم‌ترین ویژگی و امتیازاتِ نظام حقوقی قرآن می‌پردازیم:

الف. الهی، دینی و وحیانی بودن

نظام حقوقی قرآن، از سه وصف یا ویژگی پیوسته و مرتبط الهی، دینی و وحیانی بودن بر خوردار است (دانش‌پژوه، شناسه حقوق، ۱۳۹۱: ۱۷٦- ۱۷۷)؛ زیرا نخست اینکه، این قوانین و مقررات در اراده تشریعی و حکیمانه الهی ریشه دارد و هیچ انسانی حتی پیامبرﷺ اجازه نداشته است، از طرف خود چیزی بر آن بیفزاید یا از آن بکاهد؛ (**وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ**)

(حاقه/ ٤٤- ٤٦)؛ مگر در مواردی که خداوند چنین حقی را به او داده باشد: (**وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا**) (حشر/۷)؛ دوم، حقوقی دینی- و نه سکولار- است؛ زیرا این اراده تشریعی از راه دین و نبوت به ما رسیده است و درنتیجه به آخرت و سعادت جاوید انسان نیز نظر دارد؛ سوم اینکه این اراده تشریعی و حکیمانه الهی از راه وحی بر پیامبر اسلام ابلاغ گردیده و بدون هیچ کم و کاستی به او رسیده و بر او معلوم گردیده است، نه این‌که کسی احکامی را وضع کرده و به خداوند نسبت دهد. از سوی دیگر این قوانین و مقررات الهی ـ وحیانی در متن دین است، نه برآیند آن؛ حقوقِ قرآن (اسلام) است، نه حقوقِ «اسلامی- مسجدی» که ساخته عالمان مسلمان باشد. این ویژگی نظام حقوقی قرآن که کاملاً در تعارض با نظام حقوقی کلیسایی است، از نگاه حقوق‌شناسان غربی نیز دور نمانده است. در این زمینه سخن رنه داوید درباره مقایسه حقوق اسلامی (قرآن) و حقوق مسیحی- کلیسایی جالب و خواندنی است: «حقوق اسلامی، حتی در جزئیات، بخشی جدانشدنی از دین اسلام است که همان جنبه الهی و آسمانی آن را داراست، به‌واسطه همه این خصوصیات، حقوق اسلامی در برابر حقوق کلیسایی در جوامع مسیحی قرار می‌گیرد، حقوق کلیسا به‌هیچ‌وجه حقوق ناشی از وحی نیست؛ اما حقوق اسلامی جزئی از دین اسلام را تشکیل می‌دهد (داوید و اسپینوزی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ۱۳۸۱: ٤٥٣- ٤٥٤).

ب. هماهنگی با طبیعت و فطرت انسان

با توجه به این‌که حقوق، عهده‌دار تنظیم روابط اجتماعی انسان‌هاست، طبعاً باید با آفرینش و ساختار وجودی انسان هماهنگ باشد. عوامل تشکیل‌دهنده شخصیت انسان دو دسته‌اند:

نخست عوامل نسبی و متغیر مانند آداب‌ورسوم، فرهنگ اجتماعی و ویژگی‌های فردی و گروهی؛ دوم عوامل ثابت که در تمام انسان‌ها و جوامع انسانی از هر اقلیم و قومی و در هر شرایطی که باشند، وجود دارد؛ مانند حب ذات، حب کمال، حقیقت‌جویی، عدالت‌طلبی و همه غرایز و عواطف موجود در انسان؛ دسته نخست که وجه امتیاز شخصیت فرد یا گروه خاصی از انسان‌هاست، ممکن است در طول زمان متحوّل گردیده و تغییر کند؛ اما دسته دوم درعین‌حال که بین همه انسان‌ها مشترک است، ثابت و پایدار است و هویت انسانی انسان را تشکیل می‌دهد (دانش‌پژوه، مقدمه علم حقوق با رویکردی به حقوق ایران و اسلام، ۱۳۸۹: ۱۷۹- ۱۸۰).

نظام حقوقی قرآن (اسلام) که در اراده تشریعی خداوند ریشه دارد، با توجه کامل به خصوصیات و ویژگی‌های فطری و طبیعی انسان وضع‌شده و با اراده تکوینی او در آفرینش انسان هماهنگی و مطابقت

دارد. توجه به نیازها و غرایز طبیعی انسان، به معنای به رسمیت شناختن آن‌ها و برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از آن‌ها در مسیر تعالی و تکامل انسان است تا از این راه، هم از بی‌توجهی و سرکوب کردن آن‌ها جلوگیری شود و هم از طغیان و هرج‌ومرج در اشباع آن‌ها جلوگیری به عمل آید؛ بنابراین نظام‌های حقوقی که به این خواسته‌ها و نیازها بی‌توجهی نموده و به‌کلی آن‌ها را نادیده می‌گیرند، هماهنگ با فطرت سالم و طبیعت انسان نیستند، مانند نظام‌های حقوقی که نیازهای جنسی انسان یا حق مالکیت خصوصی را نادیده می‌گیرند و یا انسان را در بهره‌گیری از این غرایز کاملاً آزاد و رها می‌سازند و هیچ محدودیتی برای او تعیین نمی‌کنند (جزایری، اعجاز حقوقی قرآن، ۱۳۹۱: ۷۷).

در مورد این ویژگی نظام حقوقی قرآن کریم، آیات و روایات متعددی وجود دارد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

قرآن کریم می‌فرماید: (**مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيقِيمُوا الصَّلاَةَ**) (بینه/ ۵)؛ «درحالی‌که حق‌گرایانه دین (خود) را برای او خالص گردانند و نماز را بر پا دارند.»

بر اساس مفاد آیه فوق عبودیت و اطاعت از اوامر الهی در آموزه‌های دینی، خردپسند و مطابق فطرت افراد عرضه شده است. در این اطاعت صرفاً راز و نیاز به درگاه ذات احدیت لحاظ نشده، بلکه تهذیب و پالایش نفس، و تطهیر سازی درون نیز موردتوجه واقع شده است. ازاین‌رو ثمره این دو گرایش، باعث برابری و تعادل در ابعاد وجود بندگان می‌شود.» (جزایری، اعجاز حقوقی قرآن، ۱۳۹۱: ۷۷).

حقوق در نگاهِ قرآنی، بنیادی «فطری- الهی» دارد؛ یعنی همان ارزش‌ها و اصول معنوی‌ای که به دلیل هماهنگی‌شان با طبیعت انسانی، اسلام بر آن‌ها ارج می‌نهد: (**فَأَقِمْ وَجْهَک لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَيهَا**) (روم/ ۳۰)؛ «پس روی (وجود) خود را به دین، حق‌گرایانه، راست دار؛ و پیروی کن از سرشت الهی که (خدا) مردم را بر (اساس) آن آفریده است.»

از آیه فوق چند نکته به دست می‌آید:

نخست، دین در تمام ابعاد آن در وجود و سرشت انسان به ودیعت نهاده شده و خلقت و تکوین انسان با تشریع و دین ظاهری هماهنگ است؛ دوم، دین به‌صورت خالص و به‌دوراز کژی‌ها و در فطرت همه انسان‌ها قرار داده شده است و آلودگی‌ها عارضی است که باید زدوده شوند؛ سوم، این دین فطری تغییرپذیر نیست و یک سنّت الهی است (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷:۱۱/ ۳۱۳).

(**إِن اللهَ يأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَنِ وَإِيتَآءِی ذِی الْقُرْبَی وَينْهَی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنكرِ وَالْبَغْیِ يعِظُكمْ لَعَلَّكمْ**

تَذَکَّرُون) (نحل/ ۹۰)

بر اساس هماهنگی با فطرت و طبیعت انسان است که خداوند حقوق و تکالیف انسان‌ها را در زمینه‌های مشترک یکسان قرار داده است، از قبیل حق تحصیل علم، حق مالکیت، اشتغال، حق ازدواج و حق دادخواهی؛ اما در زمینه‌هایی که تفاوت‌های تکوینی وجود دارد، حقوق و تکالیف را متناسب با این اختلاف‌ها متفاوت قرار داده است؛ مثلاً حقوق و تکالیف مرد و زن در خانه و اجتماع، آنجا که با ویژگی‌های زنانه یا مردانه ارتباط پیدا می‌کند، متفاوت قرار داده شده؛ اما آنجا که چنین نیست، همانند است (خسروشاهی و دانش‌پژوه، فلسفه حقوق، ۱۳۹۵: ۱۷۹-۱۸۰).

ج. واقع‌نگر و جامع بودن

شاید بسیاری از نظام‌های حقوقی خواسته باشند که نظامی واقع‌نگر، جامع و چندبعدی باشند؛ اما حداقل به یکی از این دو دلیل توان رسیدن به چنین مطلوبی را ندارند. یکی نقص جهان‌بینی مؤسسان و دانشمندان آن نظام حقوقی و درنتیجه کاستی انسان‌شناسی آنان و عدم توجه به برخی از ابعاد وجودی انسان؛ و دیگر شناخت ناقص از تمام ابعاد وجود انسان، حتی با فرض توجه به آن‌ها، ولی در نظام حقوقی قرآن، ازآنجاکه قانون‌گذار واقعی خداوند متعال است که به همه ابعاد وجودی انسان و سیر کمالی او و رابطه انسان با جهان علم کامل دارد، طبعاً قواعد حقوقی این نظام، قواعدی مبتنی بر واقعیت است. نتیجه این واقع‌نگری، چندبعدی و جامع بودن است؛ یعنی در عین آن‌که نظام حقوقی قرآن، به تنظیم روابط حقوقی مردم پرداخته است، از سایر ابعاد فردی و روحانی نیز غفلت نورزیده و قوانین حقوقی را با نظری جامع نسبت به تمام ابعاد وجودی انسان وضع کرده است. نتیجه دیگر واقع‌نگر بودن نظام حقوقی قرآن، کامل و تمام بودن آن است؛ یعنی نظام حقوقی قرآن، نه‌فقط جامع و چندبعدی است، در هر یک از قواعد آن به همه جنبه‌های حیات فردی و اجتماعی توجه شده است، بلکه نظامی کامل و تمام نیز هست؛ یعنی هیچ زمینه‌ای از رفتار اختیاری فردی و اجتماعی انسان وجود ندارد که اسلام به‌طور خلاصه و جزئی و یا به‌صورت قاعده کلی در مورد آن ساکت بوده، حکم آن را مشخص نکرده باشد. قرآن کریم دارای آیینی است که برای انسان، نه‌فقط در قلمرو آنچه امروز اصطلاحاً حقوق خوانده می‌شود، بلکه خیلی فراتر از آن، برای تمامی عرصه‌های حیات انسان از پیش از تولد تا پس از مرگ با صدور دستورات الزامی و غیرالزامی برنامه‌ای جامع و کامل را به بشریت ارائه نموده است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، ۱۳۷۶: ۲/ ۴۲۷- ۴۳۲؛ خسروشاهی و دانش‌پژوه، فلسفه حقوق، ۱۳۹۵: ۱۷۷- ۱۷۸، عباس‌نژاد و همکاران، قرآن و حقوق

(راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز)، ۱۳۸۵: ۳۵۱).

د. توجه به جنبه‌های مختلف انسان (چندبعدی)

ازآنجاکه نظام حقوقی قرآن، منشأ الهی دارد و انسان که موضوع این مقررات اجتماعی و مخلوق و آفریده خداوند است، بدیهی است در وضع این مقررات، همه جنبه‌های وجودی انسان، اعم از روحی و جسمی، فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و غیره موردتوجه قرار گرفته و با شناخت کامل این جنبه‌ها، قانونی جامع و چندبعدی وضع شده است. درحالی‌که دیگر نظام‌های حقوقی از داشتن این ویژگی محروم هستند؛ چون ساخته‌وپرداخته فکر و اندیشه انسان‌اند و انسان، نه می‌تواند همه ابعاد وجودی خود را بشناسد و نه شناخت او از ابعاد شناخته شده وجود خود کامل و بی‌نقص است. به تعبیر وایتهد: «طبیعت بشری آن‌چنان پیچیده و گره‌خورده است که ارزش آن برنامه‌هایی که روی کاغذ برای تنظیم حال اجتماع نوشته می‌شود، در نزد زمامداران، حتی از همان کاغذ باطل شده هم بی‌ارزش‌تر است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، ۱۳۷٦: ۲/ ٤۲٦).

به‌عنوان‌مثال آنچه نظام‌های حقوق بشری در وضع قوانین خود بدان توجه نکرده‌اند، رابطه انسان با آفریدگار خویش است؛ چراکه حیات انسان اساساً چندبعدی است که شامل رابطه فرد با شئون شخص خودش؛- ارتباط با امور اجتماعی؛ و رابطه فرد با مولا و محبوبش؛ یعنی آفریدگار او می‌شود. در آخرین بعد (سوم) مرحله که همان رابطه عبد با مولا است، کرامت انسانی، معنویت، اخلاق و فضیلت مطرح می‌شود.

نظام حقوقی قرآن احکام و قوانین تشریعی‌اش را با این سه رویکرد تشریع نموده تا مفهوم Π**وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ**O (اسراء/ ۷۰) را تحقق بخشیده و از این مسیر، مقام خلافت الهی را جامه عمل بپوشاند. ازانی‌رو خالق هستی‌بخش بر آدمیان منت نهاد که آنان را چنین به آیین خود افتخار بخشید و او را به این زیور گران‌قدر آراست: (**لَقَدْ مَنَّ اللهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يتْلُوا عَلَيهِمْ آياتِهِ وَيزَكيهِمْ وَيعَلِّمَهُمُ الْكتَابَ وَالْحِكمَةَ وَإِن كانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ**) (آل‌عمران/١٦٤).

هـ. دوری از خطا و گرایش‌های انحرافی

وجود خطا و گرایش‌های قومی ـ قبیله‌ای در قوانین و مقرراتی که از سوی بشر وضع می‌شود، تأثیرگذار است. چنانچه تجربه ثابت کرده که چنین چیزی ممکن است و در بیشتر قوانین و مقررات وضعی انسان‌ها محقق شده است. حتی دانشمندان و حقوقدانان بزرگ، هرچند تلاش در دوری از

گرایش‌های نژادی، منطقه‌ای، قومی، صنفی و گروهی کرده‌اند، بـازهم ناخواسـته در ایـن وادی پایشـان لغزیده و دچار خطا و لغزش شده‌اند؛ اما قانون‌گذار در نظام حقوقی قرآن خدای متعال است که عالم به همه‌چیز است؛ و بر اساس رعایت حکمت، مصلحت و مفسده، قوانین را وضع می‌نماید و با توجـه بـه آگاهی او به تمام ابعاد و نیاز بشر، لغزش در وضع و تشریع احکام و مقـررات او راه نـدارد و نیـز هـوای نفس، گرایش به قوم، منطقه و نژاد خاص نداشته تا مبـادا خطـا در مقـرراتش راه یابـد (جزایری، اعجـاز حقوقی قرآن، ۱۳۹۱: ۷۸).

و. نظام‌مند بودن مکتب حقوقی قرآن (انسجام و هماهنگی)

از ویژگی‌های یک سیستم و نظام کارآمد - چه حقوقی و چه غیر آن - یکی آن است که قواعـد و یـا اجزای مختلف آن سیستم از هرگونه تناقض و تعارضی بـه دور بـوده و بـا یکـدیگر سـازگار و هماهنـگ باشند (هماهنگی درون سیستمی). افزون بر این، نظام حقوقی باید با دیگر نظام‌های فردی و اجتمـاعی هماهنگی داشته باشد (هماهنگی برون سیستمی). نظام حقوقی قرآن، از این دو نوع همـاهنگی بـه‌طور کامل برخوردار است. نخست اینکه، حقوق در آموزه‌های قرآنی مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای است کـه بـین اجزای آن رابطه منطقی و مبتنی بر واقع‌نگری وجود دارد و هیچ‌گونه تعارضی میان بخش‌هـای گونـاگون این نظام حقوقی وجود ندارد. دلیل این نوع هماهنگی آن است که نظام حقوقی قـرآن، از یک‌سـو منشـأ واحدی دارد که خداوند متعال است؛ دوم، مبانی و اهداف مشترکی دارد که نشر این احکـام در راسـتای آن اهداف مشترک وضع گردیده است. بر ایـن اسـاس تعـارض و ناهمـاهنگی در آن جایگـاهی نـدارد. برخلاف دیگر نظام‌های حقوق عرفی که در طول زمان و بـر اسـاس نیازهـای مـادی و بعضـاً متعـارض شکل گرفته‌اند و زمینه تعارض و ناهماهنگی در آن‌ها وجود دارد (عباس‌نژاد و همکاران، قرآن و حقـوق (راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز)، ۱۳۸۵: ۵۳۱- ۵۳۹؛ جزایری، اعجـاز حقـوقی قـرآن، ۱۳۹۱: ۷۵- ۷۶؛ حسینی، نظام حقوقی اسلام، ۱۳۸۵: ۹-۱۰).

به گفته کلود دوپاکیه:

«حقوق، کاملاً ساخته‌وپرداخته از مغز یک نفر قانون‌گذار خارج نمی‌شود، بلکه قسمت‌های متوالی و قطعه‌قطعه عادت، رویه قضایی و قانون، حقوق مثبته را در سـابق بـه وجـود آورده‌انـد و حقـوق نـوین وارث آن‌هاست، این نُرم‌ها در دوره‌های مختلف تولید شده‌اند و از اوضاع‌واحوال متعدد و متغیـر الهـام گرفته‌اند و حتی گاهی از ایده‌های متضاد ناشی شده و حدود مبهمی را نشان می‌دهند که با هم متصـادم می‌شوند (دوپاکیه، مقدمه تئوری کلی و فلسفه حقوق، ۱۳۳۲: ۷۵- ۹۰). درحالی‌که بین نظام حقوقی

قرآن با دیگر نظام‌های آن، همانند نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و عبادی، ارتباط ناگسستنی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که مقصود و مطلوب کامل حقوق قرآنی حاصل نمی‌شود، مگر این‌که با اجرای سایر نظام‌ها همراه باشد و متقابلاً سایر نظام‌ها نیز به هدف کامل خود نمی‌رسند؛ مگر این‌که نظام حقوقی آن نیز به اجرا درآید؛ به‌عنوان‌مثال نه‌تنها اخلاق و نظام حقوقی قرآن، متقابلاً به اجرای یکدیگر کمک می‌کنند، بلکه تقیید به انجام عبادات در تحقق قوانین و اهداف آن به‌شدت اثرگذار است؛ مثلاً انجام نماز به پرهیز از غصب و پیش‌گیری از تجاوز به حقوق دیگران می‌انجامد، البته تذکر این نکته لازم است که در صورت عدم امکان اجرای بعضی از قوانین و مقررات نظام حقوقی قرآن، بقیه قوانین را برای آثار نسبی آن‌ها باید به کار گرفت تا زمینه برای اجرای دیگر نظام‌ها فراهم گردد. مثلاً نمی‌توان به دلیل فراهم نبودن شرایط اجرای نظام حقوقی قرآن، از نظام اعتقادی و اخلاقی آن هم دست برداشت، یا به دلیل پیاده نشدن نظام اقتصادی آن، از اجرای نظام حقوقی‌اش صرف‌نظر کرد، بلکه به‌منظور دستیابی به مطلوب کامل و حقیقی درصدد زمینه‌سازی برای اجرای همه قوانین برآمد (خسروشاهی، نظریه‌های و نظام‌های حقوقی، ۱۳۹۱: ۱٤٥- ۱٤٦؛ خسروشاهی و دانش‌پژوه، فلسفه حقوق، ۱۳۹٥: ۱۸۷-۱۷۹).

ز. آسان‌گرایی

بهترین نظام حقوقی، نظامی است که همراه با تنظیم روابط اجتماعی و تأمین مصالح و دفع مفاسد، از سهولت، آسانی و راحتی برخوردار باشد؛ یعنی ازیک‌طرف قوانین به‌راحتی قابل‌اجرا باشد و مشقتی برای مردم ایجاد نکند و از سوی دیگر کرامت و بزرگواری آنان را پاس بدارد.

ازآنجاکه شریعت و نظام حقوقی قرآن، بر اساس فطرت و هماهنگ با سرشت انسان است (**فأقِم وجهَک لِلدّین حَنیفا فِطرَت الله التی فَطر النّاس علیها**) (روم/ ۳۰)؛ و نیز با اعتقاد به کرامت انسان وضع شده است «وَلَقَد کَرّمنابَنِی آدَم» (اسراء/ ۷۹)؛ به نیکوترین صورت از این دو ویژگی برخوردار است. چون بر پایه تعالیم آموزه‌ها و دستورات قرآن کریم، هدف تحمیل دشواری تکلیف بر مردم نیست، برعکس دستورات و آموزه‌های وحیانی آمده است تا انسان‌ها را از بار سنگین تیرگی درون رهایی بخشد: (**مَا یرِیدُاللهُ لِیجْعَلَ عَلَیکم مِنْ حَرَجٍ وَلکن یرِیدُ لِیطَهّرَکمْ وَلِیتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیکمْ لَعَلَّکمْ تَشْکرُونَ**) (مائده/ ٦)؛ «خداوند نمی‌خواهد بر شما سخت بگیرد، بلکه می‌خواهد، شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما کامل نموده تا شاید شما شاکر و قدردان باشید.» قرآن کریم قوانینی ارائه می‌دهد که در آن، افراد بیشتر از حدّ توانایی‌شان تکلیف نمی‌شود و معیار حاکم بر قوانین او، آسان‌گیری و تسهیل است؛ چون تکالیف و

وظایف انسان‌ها در نظام حقوقی قرآن، همه به‌اندازه توان افراد است: (**وَمَا جَعَلَ عَلَيكمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجO** (حج/ ۷۸)؛ و Π**وَلاَ نُكلِّفُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا**) (مؤمنون/ ٦٢)؛ دستورات و الزامات حقوقی قرآن عملاً مقدور بوده و در حد توان بشر است: (**يرِيدُ اللهُ بِكمُ الْيسْرَ وَلاَيرِيدُ بِكمُ الْعُسْرَ**) (بقره/ ۱۷۸)؛ بدین‌جهت قرآن کریم در شرایط اضطراری، تکالیفی سبک‌تر و رخصت‌هایی را تشریع نموده تا دستورات آن سبب سختی و مشقت نگردد؛ مثلاً در اسلام روزه ماه رمضان واجب است؛ اما برای مسافر و مریض رخصت است (عباس‌نژاد و همکاران، قرآن و حقوق (راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز)، ۱۳۸۵: ۲۰٤- ۲۰۵؛ جزایری، اعجاز حقوقی قرآن، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۸؛ خسروشاهی و دانش‌پژوه، فلسفه حقوق، ۱۳۹۵: ۱۸۳).

ح. ضمانت اجرای ایمانی

در نظام‌های حقوق غیردینی، مهم‌ترین ضمانت اجرا، ضمانت اجرای مادی و رسمی است که از بیرون افراد را به رعایت قوانین و مقررات الزام می‌نماید؛ اما این نوع ضمانت اجرا، همواره با کاستی‌هایی روبه‌روست؛ زیرا بسیاری از قانون‌شکنی‌ها را می‌توان از چشم دولت پنهان داشت و به همین دلیل، در مواردی که نیروهای رسمی دولت حضور نداشته یا حضور آن‌ها کم‌رنگ باشد، اجرای قانون با مشکل مواجه خواهد شد، مگر این‌که افراد با اعتقاد خود به قانون، حتی بدون الزام بیرونی به‌صورت خودخواسته به اجرای قانون مبادرت ورزند. این اقدام خودخواسته در اجرای قانون، اگرچه در نظام‌های حقوق عرفی نیز امکان‌پذیر است و بسیاری از مردم بدون الزام و اجبار بیرونی به قانون عمل می‌کنند، ولی این اقدام با انگیزه‌ای کاملاً مادی و منفعت‌طلبانه صورت می‌گیرد و تا آنجا ادامه دارد که شخص این اقدام را در راستای منافع خود- هرچند در بلندمدت- بداند؛ اما اگر شخص هیچ منفعتی در عمل به قانون نداشته و اجبار و الزام بیرونی نیز وجود نداشته باشد، انگیزه دیگری برای اجرای قانون نخواهد داشت و طبعاً اجرای قانون دچار مشکل خواهد شد؛ اما ویژگی نظام حقوقی قرآن ازنظر ضمانت اجرا، در این است که حتی در چنین شرایطی انسان‌ها انگیزه بسیار قوی برای عمل به قانون در خود می‌یابند و آن انگیزه، اعتقاد و ایمان درونی به آموزه‌های وحیانی ازجمله آموزه‌های حقوقی قرآن کریم است. کسی که عمل به آموزه‌های حقوقی قرآن را اطاعت از خداوند و نقض آن‌ها را معصیت او می‌داند و از طرف دیگر، همواره خود را در محضر خداوند می‌یابد، به هیچ الزام و اجبار دیگری در عمل به قانون نیاز نخواهد داشت؛ بنابراین می‌توان برخورداری از ضمانت اجرای درونی قوی را یکی از ویژگی‌های نظام حقوقی قرآن در مقایسه با نظام‌های حقوقی عرفی دانست (خسروشاهی، نظریه‌های و

نظام‌های حقوقی، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

نظام حقوقی قرآن، برای ضمانت اجرای دستورات و قوانینش، راهکارهای سنجیده و مناسب ارائه داده و برای تحقق اهداف عالی خود راهکارهای اساسی مطرح نموده است:

یک: خودسازی و پاکی نفس به‌وسیله خود شخص؛ این راهکار را قرآن کریم از مسیر مدینه‌ای که بر پایه‌های پاکی، محبت، استقامت، کمک به یکدیگر در خوبی‌ها پایه‌ریزی می‌شود، پیاده‌سازی می‌کند؛ دو: نظارت عمومی و حضور همگانی با شیوه امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها؛ سه: اجرای احکام الهی؛ مقررات جزایی قرآن کریم برای حفظ حیات انسانی آن را تشریع کرده است؛ به‌عنوان‌مثال، برای شخص مرتد، حدّ ارتداد؛ و بر شخص جانی و قاتل، حدّ قتل و برای شراب‌خوار شلاق و برای حفاظت از ناموس و پاک نگه‌داشتن نسل بشر، حدّ مخصوص آن اجرا می‌شود. تا هم دین حفظ شود و هم جان و ناموس و عقل و نسل بشر حمایت و حفاظت شود. چهار؛ پیش‌گیری از جرم؛ به‌واقع یکی از بهترین دلایل بزرگی و عظمت قرآن کریم، وضع قوانین برای پیش‌گیری از جنایت و جرم است. سخت‌گیری‌های تشریع شده در قوانین جزایی قرآن کریم به‌گونه‌ای با لطافت طرح‌ریزی شده که به تمام جوانب حکمت، عدالت و رحمت نظر داشته است؛ به‌طوری‌که علاوه بر جلوگیری از انواع تجاوزها، آسایش و امنیت را برای انسان‌ها هدیه می‌کند (جزایری، اعجاز حقوقی قرآن، ۱۳۹۱: ۸۶- ۸۷؛ خسروشاهی، مراحل سه‌گانه پیش‌گیری از جرم در آموزه‌های قرآنی، ۱۳۹۳: ۷۶- ۷۹).

ط. ثبات و استمرار

یکی از برترین ویژگی‌های نظام‌های حقوقی و ضرورت حقوق، ایجاد اطمینان خاطر در مردم از راه ثبات بخشیدن به روابط آن‌هاست و این جز با ثبات قانون امکان‌پذیر نیست. در قانون‌گذاری‌های بشری، به دلایل متعدد و مهم‌تر از همه، به دلیل احاطه نداشتن علمی انسان و خطاپذیری دانش او، نه‌تنها در عرصه موضوعات کهن، بلکه حتی در موضوعات نوین، چه‌بسا ممکن است، قوانینی وضع گردد که دیر یا زود، خطا بودن آن کشف شود و تغییر آن ضرورت یابد، درحالی‌که نظام حقوقی قرآن، چنین نیست و از ویژگی ثبات و جاودانگی برخوردار است و هیچ‌یک از احکام آن نسخ نخواهد شد. این ویژگی، افزون بر این‌که بر دلایل جاودانگی دین اسلام و خاتمیت آن (**مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا**) (احزاب/ ۴۰)؛ اعم از آیات و روایات متکی است، ازنظر عقلی نیز بر مبانی خاصی استوار است

یک: واضع نظام حقوقی قرآن برخلاف نظام‌های عرفی و بشری، خداوند متعال است که احاطه

علمی به تمام واقعیت‌های جهان و گذشته، حال و آینده انسان دارد و می‌تواند قانونی وضع کند که قابلیت استمرار و دوام داشته باشد؛ درحالی‌که نظام‌های حقوق عرفی، حاصل فکر، اندیشه و تجربه انسان است و صرفاً می‌تواند پاسخگوی نیازهای بالفعل او باشد و قوانینی وضع کند که مشکل موجود او را برطرف سازد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۱: ۱۶/ ۱۸۸؛ همو، اسلام و احتیاجات واقعی هر عصر، ۱۳٤۸: ۲۳- ۲٤)؛

دو: نظام حقوقی قرآن بر فطرت و طبیعت انسان و ساختار وجودی او و نیز طبیعت جامعه و زندگی جمعی که امری ثابت و پایدار است، بنا شده است، نه بر اساس امور ناپایدار و متغیر؛ بنابراین می‌تواند از استمرار و دوام برخوردار باشد و موجبی برای تغییر و تحوّل در آن وجود ندارد؛

سه: نظام حقوقی قرآن، برای تحقق اهداف ثابت و تغییرناپذیر وضع گردیده است؛ بنابراین باید دارای قوانین و مقررات ثابت و تغییرناپذیری باشد تا بتواند آن اهداف را تأمین کند؛

چهار: نظام حقوقی قرآن، بر مبانی، اهداف و منابع ثابت مبتنی است و درنتیجه قوانین و مقررات حاصل از آن نیز ثابت خواهد بود؛ درحالی‌که در نظام‌های مبتنی بر عرف و عادت، به دلیل متحوّل بودن این منابع، قوانین و مقررات نیز پیوسته در حال تغییر و تحوّل هستند (مصباح یزدی، نظریه حقوقی اسلام، ۱۳۸۰: ۲/ ۱٦۸- ۱٦۹؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷٦: ۳۲۱- ۳۲۲).

از مجموع مطالب گفته شده، چنین به دست می‌آید که نظام حقوقی اسلام درعین‌حال که نظامی ثابت، پایدار و همیشگی است، قابلیت انعطاف با شرایط جدید جامعه پیشرفته را نیز دارد و می‌تواند به همه نیازهای جدید بشر درزمینه قانون‌گذاری پاسخ دهد و هرگز به بن‌بست نمی‌رسد (مدرسی، قانون‌گذاری در اسلام، ۱۳۷٦: ۳۲۵- ٤۳۲). این واقعیت حتی ازنظر حقوق‌شناسان غربی نیز مخفی نمانده است. رنه داوید در این زمینه فصلی را در کتاب خود تحت عنوان «انطباق حقوق اسلام با دنیای جدید» مطرح کرده و می‌نویسد:

«حقیقت این است که حقوق اسلام اگرچه غیرقابل تغییر است؛ اما درعین‌حال از منابع زیادی برخوردار است. لذا جا دارد همانند تغییرناپذیری آن، به قابلیت انعطافش هم ارج نهاده شود. بین این دو مشخصه، هیچ ناسازگاری وجود ندارد.» (داوید و اسپینوزی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ۱۳۸۱: ٤٥٤؛ الناهی، النظریة العامة فی القانون الموازن و علم الخلاف، ۱٤۲۱: ۳۲۱- ۳۲۳).

نتیجه

با توجه به تنوع و تعدد نظام‌های حقوقی، اندیشمندان حقوق، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی بر اساس معیارهای متفاوت ارائه کرده‌اند؛ البته این نکته را نباید ازنظر دور داشت که ملاک تقسیم‌بندی نظام‌های حقوقی به خانواده‌های گوناگون، بیش از آن‌که به امور واقعی و عینی مربوط باشد، به اعتبار و دیدگاه افراد مربوط می‌شود؛ معیار موردنظر ما در طبقه‌بندی نظام‌های حقوقی، نوع ارتباط آن‌ها با ادیان الهی است. بر این اساس، نظام‌های حقوقی ابتدا به نظام‌های «دینی- الهی» و «سکولار- بشری» یا غیردینی تقسیم‌بندی می‌شوند. وجه اشتراک نظام‌های «سکولار- بشری» در این است که قواعد حقوقی را ساخته انسان و محصول وجدان اجتماعی یا عرف یا عقل یا تجربه بشری می‌دانند؛ اما وجه اشتراک نظام‌های «دینی- الهی» این است که قواعد حقوقی، منبع وحیانی داشته و محصول اراده خداوند است، هرچند ممکن است، در چارچوب اذن الهی، عقل، عرف و تجربه بشری نیز در پدید آمدن قواعد حقوقی مؤثر باشد.

در نظام حقوقی قرآن، به اصیل‌ترین واقعیت؛ یعنی خداوند هستی‌آفرین و اراده تکوینی و تشریعی او در تدبیر جهان و انسان توجه کافی شده است. در این نظام حقوقی مبانی قواعد حقوقی و معیار مشروعیت الزام‌آوری آن «اراده حکیمانه» الهی است؛ بر این اساس واضع اصلی قوانین خداوند است که خالق و مالک حقیقی جهان و انسان است و انسان جز در قلمروی که اجازه داده، حق وضع ندارد. درحالی‌که در مکاتب حقوقی عرفی، با اراده خداوند کاری ندارد و مبنای اصلی و معیار مشروعیت قوانین، یا واقعیت‌های عینی و آرمانی (طبیعت، فطرت، نظم و عدالت) است که انسان باید به کشف آن بپردازد و یا اراده دولت است که در این صورت، انسان مستقیماً به وضع قانون می‌پردازد. درحالی‌که انسان، نه صلاحیت علمی لازم و کافی را برای کشف و استنتاج قوانین دارد و نه صلاحیت اخلاقی را برای وضع قوانین.

پیروان حقوق پوزیتویستی، حس و تجربه را تنها منبع شناخت و معرفت دانسته و معتقدند که با روش علمی و تجربی به تحلیل ماهیت حقوق و کشف مبنای آن می‌توان رسید. این مکتب بر جدایی حقوق از عدالت و اخلاق تأکید می‌ورزند. اعتبار و مشروعیت قانون را در قرارداد اجتماعی، یا سودمندی قانون و یا صدور فرمان از سوی دولت خلاصه و تصریح می‌کند.

نظام حقوقی قرآن، از سه وصف یا ویژگی پیوسته و مرتبط الهی، دینی و وحیانی بودن برخوردار است؛ نخست اینکه، این قوانین و مقررات در اراده تشریعی و حکیمانه الهی ریشه دارد و هیچ انسانی

حتی پیامبر (ص) اجازه ندارد از طرف خود چیزی بر آن بیفزاید یـا از آن بکاهـد؛ مگـر در مـواردی کـه خداوند چنین حقی را به او داده باشد؛ دوم، حقوقی دینی- و نه سکولار- است؛ زیرا این اراده تشـریعی از راه دین و نبوت به ما رسیده است و درنتیجه به آخرت و سعادت جاوید انسان نیز نظر دارد؛ سوم، این اراده تشریعی و حکیمانه الهی از راه وحی بر پیامبر اسلام ابلاغ گردیده و بدون هیچ کم و کاسـتی بـه او رسیده و بر او معلوم گردیده است، نه این‌که کسی احکامی را وضع کرده و به خداوند نسبت دهد.

الهی، دینی و وحیانی بودن، جامع، کامل و چندبعدی، هماهنگی با طبیعت و فطرت سـالم، دوری از خطا و انحراف‌های فردی، توجه به جنبه‌های مختلف انسان، نظام‌منـد بـودن مکتـب حقـوقی قـرآن، ضمانت اجرایی ایمانی، آسان‌گرایی، ثبات و استمرار و جاودانگی از ویژگی‌ها و امتیازات نظـام حقـوقی قرآن است. درحالی‌که دیگر نظام‌های حقوقی با توجه به محدود بودن علم‌شان، عدم صلاحیت علمـی، اخلاقی و روان‌شناسی، گرایش به منافع شخصی، فاقد ویژگی‌های فوق است؛ چراکه مصالح عالیه بشر را جز وحی کسی دیگر نمی‌تواند بفهمد و یگانه مقام بی‌غرض فقط وحی است.

هیچ نظام حقوقی دیگر نمی‌تواند چنین ادعاهایی را داشته باشـد کـه اولاً، بـر تمـام ابعـاد وجـودی انسان و نیازهای حیاتی او به‌صـورت فـردی و اجتمـاعی، اشـراف دقیـق و کامـل دارد و ثانیـاً، هـدفش صادقانه و خالصانه نجات و تکامـل انسـان اسـت و ثالثـاً، تـوان کـافی و صـلاحیت لازم را دارد؛ زیـرا این‌گونه مدعیات از منابع و مکاتب بشری که خود محکوم‌به محدودیت شناخت‌اند و یـا نمـی‌تواننـد از انگیزه‌های غرض‌آلود مادی و زودگذر فاصله بگیرند، خالی از خطا نخواهد بود.

منابع

۱. ترجمه قرآن کریم، رضایی اصفهانی، محمدعلی، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ ش.

۲. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، نشر جلال‌الدین آشتیانی، تهران: ۱۳۶۳ ش.

۳. جزایری، سید حمید، «اعجاز حقوقی قرآن»، دوفصلنامه قرآن و علم، سال ششم، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۱.

٤. خسروشاهی، قدرت الله، مراحل سه‌گانه پیش‌گیری از جرم در آموزه‌های قرآنی، آستان قدس رضوی/ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مشهد/ قم: ۱۳۹۳.

۵. ـــــــ، نظریه‌ها و نظام‌های حقوقی، جنگل/ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران/ قم: ۱۳۹۱ ش.

٦. ـــــــ؛ جوادی حسین آبادی، حسین، «تحلیل رابطه مولفه‌های هویت دینی و پیشگیری از جرم (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۵.

۷. ـــــــ؛ دانش‌پژوه، مصطفی، فلسفه حقوق (سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی ۵) انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ٤ قم: ۱۳۹۵.

۸. دانش‌پژوه، مصطفی، شناسه حقوق، (حقوق‌شناسی عمومی ۱)، جنگل، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران/ قم: ۱۳۹۱.

۹. ـــــــ، مقدمه علم حقوق با رویکردی به حقوق ایران و اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه/ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، قم/ تهران: ۱۳۸۹.

۱۰. داوید، رنه، اسپینوزی، کامی ژوفره، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه و تلخیص: حسین صفایی، نشر میزان، تهران: ۱۳۸۱.

۱۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، انتشارات سمت، تهران: چاپ دوم: ۱۳۷٦.

۱۲. دوپاکیه، کلود، مقدمه تئوری کلی و فلسفه حقوق، مترجم: علی‌محمد طباطبائی، ناشر: دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۳۲.

۱۳. ردیر، رنه، مقدمه‌ای بر حقوق تطبیقی، ترجمه: سید محمد علوی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، تهران: ۱۳۷۱.
۱٤. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم: ۱۳۸۷ ش.
۱۵. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، نشر اشراق، قم: ۱۳۷۵.
۱٦. ژیلبرت، کلاپرمن، تاریخ قوم یهود، ترجمه: مسعود همتی، نشر، انجمن فرهنگی اوتصر هتورا (گنج دانش ایران) تهران: ۱۳۴۹.
۱۷. سلیمانی، عبدالرحیم، یهودیت، نشر آیات عشق، قم: ۱۳۸۲ ش.
۱۸. صالح، علی‌پاشا، مباحثی از تاریخ حقوق: دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز، نشر دانشگاه تهران، تهران: ۱۳٤۸.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، اسلام و احتیاجات واقعی هر عصر، کانون انتشارات محمدی، تهران: ۱۳٤۸ ش.
۲۰. ـــــــ، المیزان فی تفسیر القرآن، اسماعیلیان، قم: چ دوم: ۱۳۷۱.
۲۱. عباس‌نژاد، محسن و همکاران، قرآن و حقوق (راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز)، نشر بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، مشهد: ۱۳۸۵ ش
۲۲. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، تهران: چاپ چهارم: ۱۳۸۵.
۲۳. کُهِن، آبراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه: امیر فریدون گرگانی، نشر اساطیر، تهران: ۱۳۸۲.
۲٤. مدرسی، محمدتقی، قانون‌گذاری در اسلام، ترجمه: سید محمد علوی مقدم، نشر طهوری، تهران: ۱۳۷٦ ش.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۲٦. الناهی، صلاح‌الدین، النظریة العامة فی القانون الموازن و علم الخلاف، بی‌جا: ۱٤۲۷

References

١. The Holy Quran, Translated by Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, Dar al-Dhikr Cultural Research Institute, Qom: ٢٠٠٤.

٢. Abbasnejad, Mohsen et al., Quran and Law (Guide to Research in Quran and Modern Sciences), Publication of Quranic Research Foundation of the Seminary and U niversity, Mashhad: ٢٠٠٦

٣. Al-Nahi, Salahuddin, Public Opinion in the Comparative Law and the Science of Other Legal Systems, N.p.: ١٤٢٧ AH.

٤. Ashtiani, Jalaluddin, A Study of Judaism, Jalaluddin Ashtiani Publications, Tehran: ١٩٨٤.

٥. Cohen, Abraham, Everyman's Talmud: The Major Teaching of the Rabbinic Sages, Translated by Amir Fereydun Gurgani, Asatir Publications, Tehran: ٢٠٠٣.

٦. Daneshpajooh, Mustafa, Introduction to Law with an Approach to Iranian and Islamic Law, Research Institute and University / The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT), Centre for Research and Development of Humanities, Qom / Tehran: ٢٠١٠.

٧. _____, Legal ID (Identity), (General Studies of Law ١), Jangal, Research Institute of Hawzeh / Seminary and University, Tehran / Qom: ٢٠١٢.

٨. _____, Philosophy of Law (Series of Fundamentals of Islamic Thought ٥), Publications of Imam Khomeini Educational Research Institute Qom: ٢٠١٦.

٩. David, Rene, Camille, Jauffret-Spinosi, An Introduction to Comparative Law and the Two Great Contemporary Legal Systems [Introduction au Droit Compare et Deux], Translated and Summarized by: Hossein Safaei, Mizan Publishing, Tehran: ٢٠٠٢.

١٠. Gibert, Libby Klaperman, The Story of the Jewish People, Transla ted by Massoud Hemmati, Otsar Hatura Cultural Association (Treasure of Iranian Science [Ganj Danesh Iran]) Tehran: ١٩٧٠.

١١. Jazayeri, Seyyed Hamid, "Legal Miracle of the Quran", Bi-Quarterly Journal of Quran and Science, Year ٦, Issue ١٠, Spring and Summer ٢٠١٢.

١٢. Katouzian, Nasser, Philosophy of Law, Inteshar Sahami Co., Tehran: ٤th Edition: ٢٠٠٦.

١٣. Khosroshahi, Qudratullah, The Three Stages of Prevention of Crime in Quranic Teachings, Astan Quds Razavi / Research Institute of Hawzeh / Seminary and University, Mashhad / Qom: ٢٠١٤.

١٤. _____, Theories and Legal Systems, Jangal / Research Institute of Hawzeh/ Seminary and University, Tehran / Qom: ٢٠١٢.

١٥. _____, & Jawadi Hosseinabadi, Hossein, "Analysis of the Relationship between the Components of Religious Identity and Crime Prevention (Case study: University of Isfahan)", Criminal Law Research, No. ١٧, Winter ٢٠١٦.

١٦. Mesbah Yazdi, Muhammad Taqi, The Legal Theory of Islam, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications, Qom: ٢nd Edition, ٢٠٠١.

١٧. Modarresi, Muhammad Taqi, Legislation in Islam, Translated by Seyyed Muhammad Alavi Moqaddam, Tahoori Publishing, Tehran: ١٩٩٧.

١٨. Office of Cooperation of the Seminary and the University, An Introduction to Islamic Law, SAMT Publications, Tehran: ٢nd Edition: ١٩٩٧.

١٩. Pasquier, Claude du, Introduction a la Teorie General et a la Philosophie Drit, Translated by Ali Muhammad Tabatabai, University of Tehran, Tehran: ١٩٥٣.

٢٠. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, Mehr Quran Interpretation [Blessings of Quran], Centre of Quranic Exegesis and Sciences Researches, Qom: ٢٠٠٨.

٢١. Rodiere, Rene, Introduction au Droit Compare, Translated by Seyyed Muhammad Alavi, Office of International Legal Services of the Islamic Republic of Iran, Tehran: ١٩٩٢.

٢٢. Saleh, Alipasha, Discussions on the History of Law: A Perspective from the Past to the Present, University of Tehran Press, Tehran: ١٩٦٩.

٢٣. Soleimani, Abdul Rahim, Judaism, Ayat Ishq Publisher, Qom: ٢٠٠٣.

٢٤. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Isma'ilian, Qom: ٢nd Edition, ١٩٩٢.

٢٥. _____, Islam and the Real Needs of Every Era, Muhammadi Publishing Center, Tehran: ١٩٦٩.

٢٦. Zibaeinejad, Muhammad Reza, An Introduction to the History and Theology of Christianity, Ishraq Publications, Qom: ١٩٩٦.